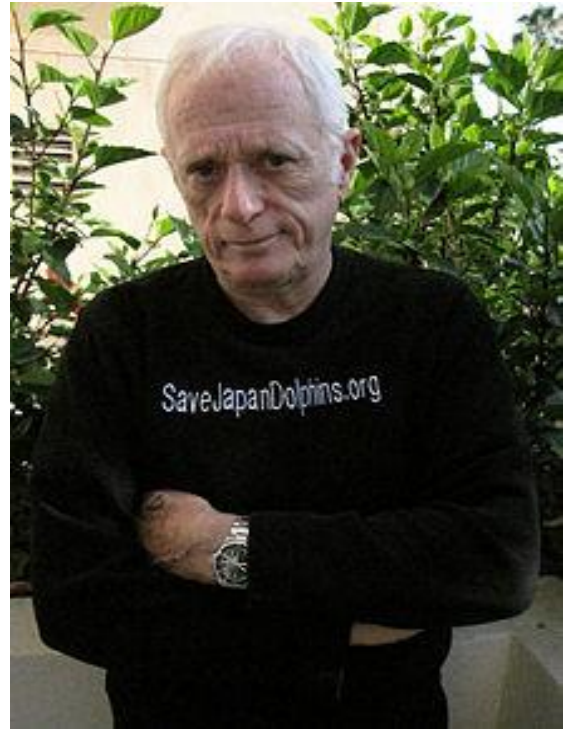




دلفین ها به کمک نیاز دارند



آقای ریچارد اوبری یکی از طرفداران برجسته دلفین ها و مدیر سازمان "دلفین های ژاپن را نجات دهید" هستند که به خاطر نقش خود در فیلم مستند برنده جایزه اسکار "خلیج کوچک" شهرت دارد. این فیلم اقدام بسیار وحشتناکی را نشان می دهد که سالانه حدود ۲۰ هزار دلفین در یک خلیج کوچک در تایجی، ژاپن به دام می افتند و بعد به خاطر گوشت شان به قتل می رسند. برخی از دلفین های به دام افتاده زنده نگه داشته می شوند و بعد به آکواریوم ها، باغ وحش ها و به پارک های به اصطلاح سرگرمی، فروخته می شوند.



دلفین ها دارای قشر مخی بسیار بزرگ و در نتیجه قشر تازه مخی با اندازه قابل توجه هستند. آنها ظرفیت شناختی تحسین برانگیزی دارند. تحقیقات مهم نشان داده که آنها موجوداتی خود آگاه و بسیار اجتماعی اند. دکتر لوئیس ام هرمان، عضو هیئت علمی بخش اقیانوس شناسی دانشگاه هاوایی در آمریکا، دلفین ها را "عموزاده شناختی" ما می نامد، تا این حقیقت را روشن کند که سطح منطق دلفین پوزه بتری همچون انسان ها و میمون های بزرگ است. اضطراب شدید مورد تعقیب قرار گرفتن و رانده شدن به سوی خلیجی کوچک، بیشتر از حد تحمل این موجودات است و آنها آنقدر وحشت زده می شوند که برخی از شوک می میرند و ماده های باردار نیز فوراً جنین شان را سقط می کنند.

دلفین هایی که فرار می کنند به خاطر دیدن گروه شان یا اعضا، خانواده شان که اسیر شده و در رنج هستند، بسیار ناراحت می شوند و گاهی به جای اینکه از ترس فرار کنند، می مانند تا سعی کنند عزیزان شان را آزاد کنند یا به آنها تسلی خاطر دهند.

آنها میله بلندی را درون آب قرار می دهند و با چکش به آن می کوبند و به این شکل یک دیواره صوتی ایجاد می کنند و این باعث می شود که دلغین ها به آن سمت بیایند. این کار آنها را وحشت زده می کند. در جزایر سلیمان نیز همین کار انجام می شود، تنها فرق آن این است که آنها از قایق های کوچک استفاده می کنند و پاروهایی دارند که با دست درست شدند و از تنه های محکم درخت هستند. آنها با ۲ سنگ رودخانه که خیلی متراکم هستند، به دریا می روند. وقتی آنها دلغین ها را پیدا می کنند، سنگها را به هم می زنند و این دلغین ها را به سوی خلیج می کشاند، مثل کاری که در تایچی انجام می شود، و بعد آنها را می کشند یا اسیر می کنند.



آقای اوبری در اوایل اکتبر ۲۰۱۱ به سنگاپور رفت تا سعی کند تفریحگاه منطقه را مجاب کند تا ۲۵ دلغین پوزه بطری که برای نمایش در آکواریومی که در حال ساخت است، خریداری شده اند را آزاد کند. این والسان ها را در آب های جزایر سلیمان، کشوری در جنوب اقیانوس آرام به دام انداختند، جایی که منبع بزرگ دلغین برای آکواریوم ها و باغ وحش هاست. در حال

حاضر ۲۵ دلغین در آنجا هستند که قرار است به چین فرستاده شوند. اما این ها تنها دلغین های آنجا نیستند و آنها مدام تعداد بیشتری می گیرند. آنها ۲۵ دلغین دیگر نیز به یک تفریحگاه در دوبی و ۸۰ دلغین نیز به مکزیکه و به پارک سو، استفاده کننده از دلغین ها در آنجا فرستادند. ۲۵ دلغین نیز به فیلیپین فرستاده شدند که قرار است به سنگاپور بیایند، و حالا می خواهند ۲۵ دلغین دیگر به چین بفروشند. همه آنها با خشونت به دام افتادند و در این روند بسیاری از آنها جان شان را از دست دادند.



دلغین ها حیواناتی بسیار خانواده دوست هستند. بویژه ماده ها بسیار صمیمی هستند و می خواهند همه عمر خود را با مادر و خواهران شان در گروه خانواده بگذرانند. لذا به دام انداختن حتی یک دلغین از یک گروه، غم انگیز است و مثل کودک ربایی در بین انسان ها می ماند. تصور کنید که فرزند شما ربوده شده و به بردگی گرفته شده تا برای سرگرمی دیگران کار کند؛ و این دقیقاً همان چیزی است که وقتی دلغینی از اقیانوس ربوده می شود و به آکواریوم فرستاده می شود، روی می دهد.



ربودن یک دلفین سبب می شود رنج شدید روانی زیادی برای کل گروه ایجاد شود. دلفین ها بعد از به دام افتادن، برای فروش به جاهای دیگر فرستاده می شوند. با نظارت دامپزشکی کم یا هیچ، و تحت شرایط بسیار ظالمانه، دلفین ها را با کامیون و روی برانکار به جاهای دیگر منتقل می کنند. محصور بودن در این ماشین ها در خارج از آب و دور از خانواده، برای این حیوانات بسیار ناراحت کننده و زیان آور است. رفتار نامناسب نیز گاهی سبب ایجاد جراحت یا مرگ دلفین ها می شود، زیرا آنها آب کافی برای آبخش ندارند. بعلاوه، دلفین ها حیواناتی بسیار سنگین هستند و برای حفاظت از بدنشان به خاصیت شناوری آب نیاز دارند. وقتی آنها در خارج از آب هستند، وزن کامل بدن آنها به اندامهای درونی شان فشار می آورد و شاید سبب پارگی یا له شدن آنها شود و به خونریزی شدید داخلی و شوک ناشی از آن و در نتیجه مرگ منجر گردد.

با رسیدن به آکواریوم، آنها را در مخزن های محدود و کوچکی نگه می دارند. محصور شدن در برکه های کوچک و دوری از خانه برای اکثر دلفین ها غیر قابل تحمل است.

در واقع، ۵۳٪ از دلفین‌های محصور بعد از ربوده شدن از دریا بعد از ۹۰ روز می‌میرند. این برکه‌ها آغاز زندگی کوتاه و رنج آور آنهاست. آموزش دلفین‌ها برای انجام کارهای غیر طبیعی که ما اغلب شاهد هستیم، نظیر پریدن از درون حلقه، با تهدید و اجبار این حیوانات طبیعی انجام می‌شود. دلفین‌ها را گرسنگی می‌دهند تا آنها با دریافت غذا به عنوان پاداش این کارها را انجام دهند و دلفین‌هایی که از همکاری سر باز زنند، به عنوان تنبیه در مخزنی کوچک تنها گذاشته می‌شوند. شرایطی که تحت آن، دلفین‌های محصور را نگهداری می‌کنند، واقعاً وحشتناک است و حتی بزرگترین مخزن‌ها بخشی از یک درصد از زیستگاه طبیعی دلفین در طبیعت هم نیست.



این پستانداران شریف دریایی معمولاً عادات دارند که روزانه ده‌ها کیلومتر شنا کنند. بعلاوه، این برکه‌ها پر از مواد شیمیایی خطرناک مثل کلر هستند که پوست و چشم این موجودات حساس را آزرده می‌کند. لبخند دلفین‌ها، بزرگترین فریب است و همان چیزی که برای آنها بیشترین مشکل را ایجاد کرده است. این کار این توهم را ایجاد می‌کند که آنها همیشه خوشحال هستند. اگر شما یک ماسک روی صورت خود بگذارید و سرتان را به زیر آب کنید، و زیستگاه یک دلفین را نگاه کنید، موضوع را بهتر می‌فهمید و آقای اوبری در آن مخازن زندگی کرده است. او می‌گوید، آنها هیچ چیز نیستند. یک مخزن بتونی خالی. حس اصلی دلفین حس صوتی و صداست. آنها در جهان صوت زندگی می‌کنند. ما نورگرا و بیشتر بصری هستیم و حس اصلی ما بینایی است. وقتی شما آنها را در جعبه‌هایی بتونی قرار دهید، مثل این است که محرومیت حسی دارند.



حال، آیا این محرومیت، استرس زاست؟ البته که هست. آنها موجوداتی آزاد هستند، یعنی روزانه حدود ۸۰ کیلومتر سفر می کنند و کارهای مختلف انجام می دهند. آنها تنها حیوانات در باغ وحش هستند که برای به دست آوردن غذایشان باید آن نمایش ها را انجام دهند. دیگر حیوانات باغ وحش نیازی به این کار ندارند. در نتیجه مقدار بالای استرس و نگرانی و کاهش حرکت، کمبود چیزهای شوق انگیز، و تغذیه نامناسب، دلفین ها اغلب بیمار می شوند و زودتر از موعد می میرند.

بیماری ای که سبب مرگ آنها می شود، در ساختار طبیعی ناشناخته است. در طبیعت دلفین ها می توانند بیش از ۴۵ سال عمر کنند، اما در اسارت، بسیاری از آنها در عرض ۲ سال می میرند و بقیه نیز پیش از مرگ شان به طور متوسط ۵ سال در اسارت زنده می مانند.

این امر همیشه روی می دهد. آنها مدام می میرند و دلفین های جدید به جای آنها می آیند. آنها از انواع چیزهایی می میرند که اگر در طبیعت بودند، این امر روی نمی داد. اکثراً آنها از بیماری های مرتبط با استرس می میرند. اگر شما به گزارش های تهیه شده از این پستانداران دریایی نگاه کنید، می بینید که در بسیاری از موارد سرشان را به دیوار می کوبند، از مخزن بیرون می پرند، مشکل قلبی دارند و همه چیزهای عجیب دیگر.

اسیرکننده‌ها معمولاً به دام انداختن دلغین‌ها را با اهدافی نظیر آموزش یا تحقیقات توجیه می‌کنند، در حالیکه با دیدن یک دلغین بیمار و پر از اضطراب که از درون حلقه می‌پرد، کسی چیزی یاد نمی‌گیرد. این کار به آموزش ما در مورد دلغین‌هایی که در زیستگاه طبیعی‌شان زندگی می‌کنند و نیز شیوه حفاظت از آنها کمک نمی‌کند. دلغین‌ها از هر دقیقه عمرشان در حبس زجر می‌کشند. توجیه این کار از نظر تحقیقاتی نیز نادرست است، و نتایج تجربی، ارزش بسیار کمی دارند، زیرا شرایط آنجا کاملاً مصنوعی است و سبب ایجاد رنج شدید در این پستانداران دریایی می‌شود. بعلاوه این تحقیقات باعث شکنجه حیوانات می‌شود، زیرا سوند‌هایی را به درون حنجره آنها یا درون حفره‌های تنفسی حساس و پر از عصب آنها فرو می‌کنند.

چطور می‌توانیم به این فاجعه پایان دهیم؟



ما باید به همه نوع اسارت دلفین ها پایان دهیم. آن دسته از دلفین ها که می توانند در طبیعت باشند، که تعدادشان محدود است را به طبیعت بازگردانید. آن دلفین هایی که در اسارت به دنیا آمدند و آنها که از طبیعت گرفته شدند، از بیماری های استرسی مشابه رنج می کشند و آمار مرگ و میر در آنها زیاد است. لذا مهم نیست که شما در اسارت به پرورش آنها بپردازید یا آنها را به دام انداخته باشید. هر دو یک جور است. این کار یک تجربه ناموفق است. دلفین ها باهوش هستند. آنها احمق نیستند. آنها می گویند که وقتی دلفین ها در اسارت بودند، بعد از مدتی می توانند دوباره به دریا بازگردند. اما چنین چیزی درست نیست. اکثر آنها بعد از اسارت به دوره توانبخشی نیاز دارند. همه آنها اینطور نیستند، به خاطر آنچه که ما بر سر آنها آوریدم.

در سطح فردی، ما می توانیم با امتناع از دیدار آکواریوم ها و دیگر مکان هایی که دلفین های محصور نگهداری می شوند، به دلفین ها کمک کنیم و خانواده و دوستان مان را نیز به انجام کار مشابه تشویق نماییم. اگر دلفین های محصور دیگر سود آور نباشند، این مراکز تعطیل می شوند. لطفاً به همه کسانی که می شناسید، رنج پشت لبخند دلفین ها را توضیح دهید و با باغ وحش ها، آکواریوم ها و پارک های دریایی تماس بگیرید و به آنها بگویید که به دام انداختن دلفین ها کاری کاملاً ناشایست است. ما می توانیم برنده شویم.

اگر من یک عاج داشته باشم، من مشکل دارم، من مصرف کننده، نه کسی که در جنگل با یک تفنگ شکار می کند. مصرف کننده قدرت دارد. این کاری است که ما باید انجام دهیم.

برای اطلاعات بیشتر و حمایت از دلفین ها، لطفاً از سایت زیر دیدن نمایید:

www.SaveJapanDolphins.org